

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۲۳ جولای ۲۰۲۲

فجایع انسانی و زیست محیطی بر اثر خشک شدن «دریاچه ارومیه» و...!

حکومت اسلامی ایران، تنها دشمن آزادی بیان و اندیشه، آزادی، عدالت اجتماعی و رفاه عمومی و همچنین دشمن انسان‌ها و جنبش‌های اجتماعی برابری طلب و دموکراتیک و سوسیالیسم نیست؛ هم‌زمان دشمن طبیعت و محیط زیست نیز هست.

چهار مولفه شاخصی که نشان‌دهنده وضعیت محیط زیست ایران است چشم‌انداز فاجعه‌باری دارد: «خاک، آب، هوا و تنوع زیستی».

در هر چهار مولفه جامعه ما شرایط نگران‌کننده و شکننده‌تری دارد. به گفته کارشناسان، تقریباً بالاترین میزان فرسایش خاک در جهان (به نسبت سهم ایران از خشکی‌های کره زمین) را دارد. بر اساس گزارش ۲۰۱۸ سازمان ملل کل فرسایش خاک در جهان ۲۴ میلیارد تن است و یک دوازدهم این رقم یعنی ۲ میلیارد تن در ایران است؛ در حالی که ایران یک صدم خاک جهان را دارد. بنابراین به نسبت سهم، میزان فرسایش خاک ایران ۸ برابر میانگین جهانی است. موضوع وقتی نگران‌کننده‌تر می‌شود که بدانیم برای این‌که در ایران یک سانتیمتر خاک شکل بگیرد به‌طور متوسط به ۸۰۰ سال زمان نیاز داریم در صورتی که رقم متوسط شکل‌گیری خاک در کره زمین ۴۰۰ سال است. بنابراین وخامت اوضاع در ایران ۱۶ برابر متوسط جهانی می‌شود.

میزان خاک‌زایی در ایران بین یک ششم تا یک هفتم جابه‌جایی خاک است و منابع ارزشمند خاک ما که مهم‌ترین ریشه‌گاه و دلیل امنیت غذایی ما محسوب می‌شود پیوسته در حال کاهش است.

اگر خاک حاصل‌خیز نداشته باشیم نمی‌توانیم به تولید مواد غذایی مورد نیاز مردم امیدوار باشیم. تقریباً هیچ کشوری در دنیا خاک خودش را صادر نمی‌کند، چون فرایند تولید خاک بسیار زمان‌بر است. در حالی که برخی کشورها آب صادر می‌کنند، چون به هر حال آب راحت‌تر به دست می‌آید. حتی در شرایطی می‌توان آب را شیرین کرد و از اقیانوس و دریاها به دست آورد، اما چنین کاری در مورد خاک عملاً امکان‌پذیر نیست.

علاوه بر این‌ها، اغلب تالاب‌های ما در فهرست مونتر (در خطر نابودی) قرار دارند یا کاملاً خشک شده‌اند و خود این تالاب‌ها به منبع گرد و خاک تبدیل شده است.

سطح سفره‌های زیرزمینی ما به‌طور متوسط ۲ متر در سال کاهش پیدا می‌کند. این مسئله موجب شده با پدیده فرونشست زمین مواجه شویم. در این پدیده در قرن ۲۱ دو بار رکورد جهان را جابجا کردیم. یک بار ۲۰۱۰ در جنوب تهران

سازمان زمین شناسی رقم فرونشست را ۳۶ سانتی متر اعلام کرد که ۴ سانتی متر بیش از مکزیکو سیتی، پایتخت مکزیک بود. ۳۶ سانتی متر ۹۰ برابر میزانی است که در اتحادیه اروپا حد بحرانی حساب می شود. -۴ میلی متر. (محمد درویش، فعال محیط زیست و مدیر کل سابق دفتر مشارکت های مردمی سازمان حفاظت محیط زیست در گفت و گو با فرارو، ۸ فروردین ۱۳۸۹)

با این مقدمه، در ادامه بحث به موقعیت فاجعه بار دریاچه نمک ارومیه می پردازیم.

سرعت خشک شدن «دریاچه ارومیه» در سال ۱۴۰۱ سبب شده است تا کارزاری مردمی برای مطالبه رسیدگی فوری به وضعیت آن ایجاد شود. این کارزار تاکید دارد که تا نابودی این ثروت زیست محیطی، چیزی باقی مانده است.

مردم شهرهای ارومیه و نقده و براساس خبرهای منتشر شده، شهرهای تبریز و اردبیل عصر شنبه ۲۵ تیر ۱۴۰۱، در اعتراض به وضعیت بحرانی دریاچه ارومیه، به خیابان ها آمدند و علیه سیاست ها و اقدام های مقامات حکومت اسلامی که به خشک شدن بخش وسیعی از این دریاچه منجر شده است، شعار دادند. در این تجمع شعارهایی به زبان ترکی با مضمون «دریاچه ارومیه جان می دهد، مجلس به قتل آن فرمان می دهد»، «آذربایجان بیدار است، دریاچه ارومیه تشنه است» و... سر داده شد. بر اساس گزارش های منتشر شده، نیروهای انتظامی به جای دفاع از مردم معترض و حیثیت دریاچه ارومیه، در محل حضور پیدا می کنند و به بازداشت چند تن از معترضان می پردازند. البته فرمانده نیروی انتظامی آذربایجان غربی در جریان این تظاهرات، مانند همیشه از شناسایی و دستگیری اشراری خبر داده است که قصد تخریب اموال عمومی و برهم زدن امنیت مردم را داشته اند.

دریاچه ارومیه، قلب محیط زیست شمال غرب ایران، دستکم از دو دهه پیش دچار بحران شده است. در این مدت مردم با اعتراض و فعالان محیط زیست پی در پی هشدار داده اند که تداوم این شرایط و تغییرات اقلیمی دستکم سلامت و زندگی نزدیک به شش میلیون نفر را در مناطق شمالی و مرکزی ایران به خطر می اندازد.

شاید یکی از عوامل بحران زیست محیطی خشک سالی باشد اما عامل اصلی خشک شدن دریاچه ارومیه حکومت اسلامی است. دولت های حکومت اسلامی که با بحران می آیند اما جیب های خود و اطرافیان شان را پر از میلیاردها دلار می کنند و می روند و با بحران هم می روند، همواره درباره خشک شدن دریاچه ارومیه اشک تماشای ریخته اند.

دریاچه ارومیه به عنوان بزرگترین دریاچه داخلی ایران و با دارا بودن اکوسیستمی با ارزش در جهان و ایران، همواره برای دانشمندان، محققان، علاقه مندان به محیط زیست و همچنین بسیاری از افراد دیگر ارزشمند و نقطه حساسی بوده است. دریاچه ارومیه از سال ۱۳۴۶ به دلیل موقعیت و ویژگی های طبیعی و اکولوژیکی که دارد به عنوان پارک ملی به ثبت رسید. با این وجود، بخش عظیمی از دریاچه ارومیه به دلیل بی توجهی مقامات و مسئولین حکومت اسلامی خشک شده است.

دریاچه ارومیه به همراه جزایر کبودان و قیون داغی از مناطق حفاظت شده محسوب می شود. همچنین در یونسکو به عنوان منطقه حفاظت شده زیست کره به ثبت رسیده است.



دریاچه ارومیه در میان استان‌های آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی قرار گرفته است. ارتفاع دریاچه ۱۳۰۰ متر از سطح دریا است. در گذشته متوسط عمق دریاچه، حدود ۶ متر بوده است. طول آن نیز به ۱۲۰ کیلومتر و پهنایش به ۱۵ تا ۵۰ کیلومتر می‌رسید که مساحتی حدود ۵۰۰۰ تا ۶۰۰۰ کیلومتر مربع را شامل می‌شد. مساحتی که هم‌اکنون دیگر وجود خارجی ندارد.

تحقیقات نشان می‌دهند که در حالت کلی ۴ دلیل عمده خشک شدن دریاچه ارومیه عبارتند از :

ایجاد سدها و جمع شدن آب پشت این سدها نیز باعث شده تا آب به اندازه کافی به دریاچه ارومیه نرسد و علاوه بر این، مصارف کشاورزی و حفر چاه‌های غیر مجاز، گرم شدن هوا و خشکسالی و ایجاد پل میانگزر از وسط دریاچه در خشک شدن دریاچه ارومیه دخیل بوده است.

در مسیر رودخانه‌هایی که در حوضه آبریز دریاچه ارومیه قرار گرفته‌اند، سدهای بی‌شماری ساخته شده است. در آذربایجان غربی و ارومیه حدود ۲۲ سد ساخته شده که ۸ عدد از آن‌ها به بهره‌برداری رسیده است. در استان آذربایجان شرقی از بین ۳۶ سد احداث شده حدود ۲۲ سد به بهره‌برداری رسیده و ۴ سد نیز در استان کردستان ساخته شده است. یعنی چیزی در حدود ۳۴ سد از آن‌ها به بهره‌برداری رسیده و میزان آب ورودی به دریاچه را کاهش داده است. در مجموع بر اساس برخی از آمارها می‌توان گفت که حدود ۴۴ سد در طی ۳ دهه گذشته بر روی حوضه آبریز دریاچه ارومیه ساخته شده است.

علاوه بر این‌ها، در اطراف دریاچه ارومیه و حوضه آبریز دریاچه در طی این سال‌ها حدود ۴۸ هزار حلقه چاه غیر مجاز حفر شده است که این موضوع باعث کاهش سطح آب‌های زیرزمینی و میزان آب‌های زیرزمینی این منطقه شده است. در این منطقه حدود ۶۸۰ هزار هکتار سطح در زیر کشت قرار گرفته است. برای مقایسه بیشتر میزان بهره‌برداری از آب‌های زیرزمینی در این منطقه را در بین سال‌های گذشته مقایسه می‌کنیم. در سال‌های ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۲ این میزان معادل ۶۹۷۰۷ میلیون متر مکعب بوده در حالی که در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۳ مقدار بهره‌برداری به ۲۴۰۱۰۶ میلیون متر مکعب یعنی چیزی در حدود ۳۰۵ برابر سال‌های قبل رسیده است.

در دو دهه گذشته، دمای هوای کره زمین به میزان ۲ درجه سانتی‌گراد افزایش یافته که باعث کمبود بارش‌های فصلی و تشدید بحران افزایش گرمای هوا شده است. با این حال این موضوع را به عنوان عامل خشک شدن دریاچه ارومیه نمی‌توان در نظر گرفت. چرا که آمارهای بارش سالانه در حوضه آبریز دریاچه ارومیه در مدت ۵۰ سال اخیر بیان می‌کند که در این حوضه ما شاهد کاهش چشمگیر بارندگی نبوده‌ایم. متوسط بارندگی در حوضه آبریز دریاچه ارومیه نزدیک به ۳۵۱ میلی‌متر است. این میزان تنها در ۳ سال متوالی ۱۳۷۷ تا ۱۳۷۹ کاهش پیدا کرد و به زیر خط نرمال بارندگی منطقه رسید. اما در دیگر سال‌ها، میزان بارش در حد نرمال بوده است. پس افزایش دمای هوا و کاهش بارندگی را نمی‌توان به عنوان عامل خشک شدن دریاچه ارومیه دانست.

در سال‌های اخیر احداث جاده‌ای غیراصولی و غیرکارشناسی از میان دریاچه ارومیه باعث دو نیم شدن دریاچه ارومیه شده که بعضی از کارشناسان بر این عقیده‌اند که این موضوع نیز می‌تواند عامل خشک شدن دریاچه ارومیه باشد. این کارشناسان گفته‌اند که این جاده در روند طبیعی دریاچه اختلال ایجاد کرده و در کنار عوامل دیگر باعث خشک شدن دریاچه ارومیه شده است.

سمیه رفیعی، رییس فراکسیون محیط زیست مجلس، با اشاره به تصویب «طرح تحقیق و تفحص از ستاد احیای دریاچه ارومیه» در مجلس، گفته است: «ستاد احیای دریاچه ارومیه پس از صرف ۵۷۰۰ میلیارد تومان اعتبار، هیچ دستاورد مهمی برای نجات این دریاچه نداشته است.»

با نگاهی به تاریخچه وخامت حال دریاچه ارومیه، آغاز پایین آمدن تراز آبی آن از سال ۱۳۷۴ شکل بحرانی به خود گرفته است و طی دو دهه، تا سال ۱۳۹۴ نزدیک به هشت متر کاهش تراز آبی در آن رخ داده است.

سال ۱۳۹۴، ستاد احیای دریاچه(ارومیه) تشکیل شد و دولت حسن روحانی خود را نجات‌دهنده دریاچه ارومیه نامید. اما اینک، در آستانه یک‌ساله شدن دولت ابراهیم رئیسی، بار دیگر وضعیت دریاچه بحرانی شده است.

کارشناسان حوزه‌های آبی منطقه می‌گویند که تبخیر آب دریاچه تا پایان مهرماه سرعت بیشتری می‌گیرد و باید امیدوار باشیم که بارش‌های احتمالی در ماه‌های پربارش سال، از وخامت حال دریاچه بکاهد.

وحید جلال‌زاده، نماینده ارومیه و رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، نیز ادعا کرده است: «با توجه به وضعیت منطقه، طی نامه‌ای از رئیس‌جمهوری خواسته‌ام اقدام به تشکیل کارگروه ملی نجات دریاچه ارومیه کند.»

به گفته جلال‌زاده، «سطح عرصه آبی دریاچه ارومیه نسبت به زمان مشابه در سال گذشته، ۱۲۹۴ کیلومتر مربع کاهش پیدا کرده است؛ همچنین تراز اکولوژیکی دریاچه ارومیه ۱۵۰۵ میلیارد مترمکعب است که اکنون این تراز به ۴۰۲ میلیارد مترمکعب کاهش یافته است.»

بالاترین و ناتمام ماندن طرح‌های انتقال آب از حوضه‌های آبریز و فقدان اقدام‌های ضروری برای احیای دریاچه ارومیه به دلیل تامین نشدن منابع مالی پیش‌بینی شده، روند احیای آن را دچار وقفه کرده است.

اگرچه مسئولان، ادعا دارند که کاهش بارش را دلیل اصلی خشکی دریاچه است، اما کارشناسان محیط زیست معتقدند که در کنار افت میزان بارش، موارد دیگری نیز، از جمله مدیریت غیراصولی در حوزه‌های آبریز منتهی به دریاچه، افزایش انحراف آب به قصد کشاورزی در ایران، و ساخت سدهای متعدد بر رودخانه‌های آبریز دریاچه، از قبیل آجی‌چای، زرینرود، سیمینرود، مهابادرود، باراندوزچای، زولاچای، و نازلی‌چای، و نیز ساخت سدهای بزرگ در کشور ترکیه، از مهمترین عوامل خشک شدن دریاچه به شمار می‌روند.

طرح احداث پل میان‌گذر روی دریاچه ارومیه نیز یکی از اقداماتی است که موجب برهم‌خوردن نظم محیطی دریاچه شد. این پل که بنا بود راه میان‌بری بین دو استان آذربایجان غربی و شرقی باشد، موجب دوتکه شدن دریاچه و تقسیم حوزه‌های آبریز آن و افزایش میزان تبخیر آب دریاچه شد: ویرانی مهمترین منطقه زیست‌محیطی شمال غربی کشور، برای کاستن از مسافت میان ارومیه و تبریز، تنها به‌اندازه ۱۳۵ کیلومتر!

در سال‌های اخیر، مطالبه احیای دریاچه ارومیه به یک خواست اصلی مردم آذربایجان و بسیار جدی بدل شده است و حتی در مواقعی، حکومت با امنیتی دیدن آن، فعالان محیط زیست و معترضان به اوضاع دریاچه را دستگیر کرده است. این مطالبه اینک دولت ابراهیم رئیسی را به تکاپو انداخته است تا با انداختن مسئولیت وضع موجود به گردن دولت‌های قبل، یک سال بی‌توجهی دولت خود را به شرایط دریاچه ارومیه، لاپوشانی کند.

اردیبهشت ماه امسال، رئیسی در دیدار با مردم ارومیه تاکید کرد: «موضوع دریاچه ارومیه فقط مختص ارومیه نیست، بلکه این دریاچه یک اکوسیستم تأثیرگذار، مهم، و حیاتی برای منطقه و کشور است. برای دریاچه ارومیه گام‌هایی برداشته شده، اما به سرانجام نرسیده، که تلاش می‌کنیم این گام‌ها به سرانجام برسد.»

اما وعده آیت‌الله قاتل، یعنی رئیس دولت سیزدهم هیچ نتیجه و سرانجامی نداشت و در چند ماه گذشته، دولت او برنامه روشنی برای پیش‌گیری و رفع این بحران اجرا نکرده است.

طی ۲۶ سال گذشته به دلیل برداشت آب و سدسازی‌ها و صدور مجوز حفر و بهره‌برداری چاه عمیق در حوضه آبریز دریاچه ارومیه، عمق آن به بیش از ۸ متر کاهش پیدا کرده است. رئیس مرکز آینده پژوهی دریاچه ارومیه در یک گفت‌وگوی رسانه‌ای نسبت به وضعیت کنونی دریاچه ارومیه، نگرانی خود را ابراز داشته و می‌گوید: «طی هفته‌های

آینده، جزایر دریاچه ارومیه به سواحل خواهند چسبید.» و این به معنای مرگ دریاچه است.» حجت جباری در توضیح ادعای خود مبنی بر خشکی دریاچه می افزاید: «میزان تبخیر سالانه حدودا ۷۰ سانتی متر است، و با این روند، اگر سطح تراز دریاچه ارومیه تا پایان مهرماه، ۵۰ سانتی متر کاهش داشته باشد، سطح تراز دریاچه به رقم ۱۲۷۰ خواهد رسید که با این وضعیت، آینده خوبی برای دریاچه ارومیه متصور نیستم.»

البته منظور این مقام پژوهشی دریاچه ارومیه، خشکی کامل دریاچه با ورود به فصل پاییز است که او به دلیل معذورات و محذوراتی که داشته است این مسئله را بیان نکرده و سعی نموده موضوع محو دریاچه ارومیه از روی نقشه جغرافیایی را در لفافه بیان نماید. همزمان با اظهارات رییس مرکز آینده پژوهی دریاچه ارومیه و انتقادات وی به عملکرد ستاد احیای دریاچه ارومیه، استاندار آذربایجان غربی هم اعلام کرده که ستاد دریاچه ارومیه به کار خود پایان داده است و ماموریتی برای خود مبنی بر بازگرداندن دریاچه متصور نیست.

همزمان با این اظهارات، رسانه‌ها در ایران برای کندوکاو چرایی خشکی دریاچه ارومیه در پس تشکیل ستاد احیای این دریاچه و صرف منابع مالی هزاران میلیارد تومان برای نجات دریاچه، به سراغ چندین تن از مدیران ستاد احیای دریاچه ارومیه رفته‌اند تا نسبت به گمانه‌زنی‌ها در خصوص تعطیلی و توقف فعالیت این ستاد اطمینان حاصل کنند. سرانجام مدیر دفتر برنامه‌ریزی و تلفیق ستاد احیای دریاچه ارومیه، حاضر به مصاحبه می‌شود و مسعود تجربشی در یک گفت‌وگوی رسانه‌ای در واکنش به برخی اخبار منتشرشده در خصوص تعطیلی ستاد احیای دریاچه ارومیه و شکست برنامه های این نهاد دولتی در احیای مهمترین دریاچه آب شور ایران واکنش نشان داده و بیان داشته که هرچند مسئولان استان آذربایجان غربی جواب نامه‌های محمد مخبر، معاون اول رییس جمهور را هم نمی‌دهند، ستاد احیای دریاچه ارومیه تعطیل نشده و کماکان به فعالیت خود تداوم می بخشد. تجربشی با رد خبر عدم فعالیت ستاد تحت مدیریتش، توپ را در زمین مسئولان استانی پرتاب می‌کند و معتقد است مسئولان استانی به دلیل کم اهمیت دانستن وضعیت دریاچه ارومیه، مشکلات را جای دیگری می‌بیند. او همچنین نسبت به ادامه فعالیت این ستاد در دولت سیزدهم، ابراز امیدواری کرده و گفته که «معاون رئیس جمهور، دستوراتی برای اتمام پروژه‌هایی در رابطه با بهبود وضعیت دریاچه ارومیه داده است ولی دستگاه‌های اجرایی درکی از موضوع ندارند.»

اظهارات این مقام احیای دریاچه ارومیه در حالی عنوان می‌شود که ستاد احیای دریاچه ارومیه از ابتدای تشکیلش یک نهاد دولتی بوده است و عذر این ستاد در خصوص کارشکنی برخی سازمان‌های دولتی در تهران و همچنین استان ذی‌نفع، یعنی آذربایجان غربی پذیرفتنی است. اما ستاد احیای دریاچه ارومیه پس از گذشت ۷ سال و خرج ۱۵ هزار میلیارد تومان برای اجرای پروژه‌های احیای آن، وضعیت دریاچه را به نقطه اول بازگردانده که نزدیک است این دریاچه، به‌طور کامل از روی نقشه جغرافیایی ایران محو شود. هر روز حجم و وسعت دریاچه ارومیه کم و کمتر می‌شود و روشن نیست مبالغ اختصاص داده شده به این احیای این دریاچه کجا صرف شده که هر سال بر وعده‌های مقامات ستاد احیای دریاچه ارومیه و وقت خریدن بر سر موعد احیای دریاچه افزوده می‌شود.

مشخص نیست که چرا باید یک ستاد تخصصی بحران آب که برای احیای دریاچه ارومیه تشکیل گردیده معطل تغییر دولت و جابه‌جایی مدیران و مسئولان رده پایینی باشد و فعالیت آن در شرایطی که دست‌کم ۱۴ میلیون نفر در کشور در معرض طوفان‌های نمکی آن هستند را کد بماند؟ مدیر دفتر ستاد احیای دریاچه ارومیه، ادعا کرده است که «با رییس جمهور و همچنین معاون اول رییس جمهوری جلساتی را در رابطه با وضعیت دریاچه ارومیه و چند دریاچه و تالاب دیگر برگزار کرده‌ایم و نتایج خوبی به‌همراه داشت.»

در دولت حسن روحانی، ستاد احیای دریاچه ارومیه به بهانه رهاسازی آب به دریاچه، سالانه ۸ درصد حقایق بخش کشاورزی آذربایجان غربی را کم کرد، در حالی که مقرر بود میزان آب بخش کشاورزی، متناسب با اجرای طرح های آبیاری تحت فشار، کاهش یابد، و با اینکه چنین تناسب همخوانی نداشت، در عین حال به بهانه های واهی، همین حق آبه دریاچه برای شرب و صنعت، راهی آذربایجان شرقی می شود. در آن دوره، همین ستاد، نگران خشک شدن آب دریاچه و تهدید زندگی ۱۵ هزار نفر در تبریز بود! در حال حاضر ۶۰۰ میلیون متر مکعب آب دو رودخانه زرنه رود و ارس در استان آذربایجان غربی برای مصارف کشاورزی و صنعت به بهانه آب شرب به آذربایجان شرقی انتقال داده می شود. حقایق طبیعت و دریاچه ارومیه در حالی که کشاورزی و صنعت و به نفع رشد جمعیت و احداث شهرک های مسکونی، تنزل داده شده است که استاندار آذربایجان غربی و نماینده مهاباد و ارومیه در مجلس شورای اسلامی تاکنون بارها از تخصیص حقایق دریاچه ارومیه از رودخانه ارس به سایر مصارف انتقاد کرده و خواستار توجه ستاد احیای دریاچه ارومیه و وزارت نیرو به این امر شدند، اما حقایق دریاچه ارومیه از ارس همچنان مخفی و نهان است. دولت فعلی در تلاش است تا نشان دهد دغدغه زیادی برای احیای دریاچه ارومیه دارد در لایحه بودجه ۱۴۰۱ بر پروژه های انتقال آب بین حوضه ای و برداشت های جدید آب در حوضه آبریز ارومیه و آذربایجان تاکید شده است. در حالی که تاکنون هیچ اقدامی در این مورد صورت نگرفته است.

مجلس شورای اسلامی با طرح تحقیق و تفحص از عملکرد ستاد دریاچه ارومیه موافقت کرده اشاره شده به چگونگی هزینه کرد اعتبارات ستاد احیای دریاچه ارومیه از اول تا به حال و همچنین دریافت های مدیران آن طرح. رییس فراکسیون محیط زیست مجلس که مسئول این تحقیق و تفحص است در عین حال خواستار نتیجه صرف ۵۷۰۰ میلیارد تومان برای دریاچه ارومیه شده است. این در حالی است که ۱۵ هزار میلیارد تومان خرج شده، ژاپن هم ۱۰ میلیون دلار کمک کرده، اما دریاچه ارومیه نه تنها بهبود نیافت بلکه ۱۵ درصد آن خشک شده است.

دریاچه ارومیه از اواسط دهه ۱۳۸۰ شروع به خشک شدن کرد و بنا بر آمار بین المللی تا سال ۲۰۱۵ میلادی حدود ۸۰ درصد از مساحت آن خشک شده بود. برنامه عمران سازمان ملل در سال ۱۳۸۴، طرح حفاظت از تالاب های ایران را تصویب کرد. این طرح بین المللی هفت ساله با مشارکت سازمان محیط زیست و همراهی وزارتخانه های جهاد کشاورزی، نیرو و کشور، بودجه ای معادل ۱۲۰۷ میلیون دلار داشت و دریاچه ارومیه بخشی از آن بود. براساس برنامه عمران سازمان ملل متحد، به مقامات جمهوری اسلامی هیچگاه اجازه داده نشد تا دست رد به سینه کارشناسان و متخصصین مستقل و غیر دولتی در حوزه های محیط زیست و منابع آب و توسعه پایدار و اکولوژی بزنند و نیروهای خودی و دولتی و کارشناسان سازگار با طرح ها و پروژه های فاقد مجوز زیست محیطی به کار گرفته شوند.

از جمله تبعات خشک شدن دریاچه ارومیه عوامل زیر هستند:

- توفان گردوغبار نمکی-سیلیسی
- از بین رفتن گیاهان در اثر گیاهپوشانی نمک
- حرکت ماسهزارها و بیابانزایی
- جابجایی مردم و تخلیه روستاها
- تشدید توسعه نیافتگی
- افزایش دما و تابستان های گرمتر و زمستان های سردتر
- کاهش توان جذب انرژی و تعدیل محیطی
- انقراض گونه های جانوری

- شیوع بیماری‌های صعب‌العلاج تنفسی

باید توجه کرد که این بحران، محدود به آذربایجان نبوده و بخشی از آن چون گردوغبار نمکی به شهرهای غرب و شمال غرب کشور و حتی تهران تسری خواهد یافت.

عوامل خشک شدن دریاچه ارومیه را در بالا ذکر شد. هم‌اکنون این سؤال مطرح است که آیا می‌توان این وضع و بحران دریاچه ارومیه را از بین برد و وضعیت عادی روزگاران گذشته را به آن برگرداند. برای این منظور کارشناسان متعددی اظهارنظر کرده و راهکارهایی نیز پیشنهاد داده‌اند. در این میان یکی از این راهکارها به گفته مهندس مرتضی حقوقی، عضو هیات ریسه جامعه مهندسی مشاور و رئیس کمیته محیط زیست این مجمع، برای نجات این دریاچه باید سدهایی که بر روی رودخانه‌های آبریز دریاچه ساخته شده باز شوند و آب آن‌ها به درون دریاچه جاری شود. همچنین صرفه‌جویی در مصرف آب در زمینه کشاورزی منطقه هم می‌تواند از مهمترین عوامل نجات دریاچه ارومیه دانست. به‌علاوه باید از حفر چاه‌های غیرمجاز جلوگیری کرد. چاه‌های احداث شده نیز باید شناسایی و از برداشت بی‌رویه آب‌ها توسط این چاه‌ها جلوگیری شود.

البته درباره عوارض و آسیب‌های اجتماعی خشک‌شدن دریاچه ارومیه نظریات مختلفی وجود دارد. برای مثال: همزمان با کاهش تراز سطح آب دریاچه، بخش‌هایی از قسمت‌های جنوبی دریاچه خشکید، غلظت نمک در آب دریاچه بالا رفت و رنگ مناطقی از سطح آب دریاچه به قهوه‌ای گرایید که به گفته کارشناسان احتمالاً ناشی از تغییر متابولیسم دنالیا سالی‌نا (Donaliella salina) تحت تاثیر افزایش غلظت املاح به ارقامی فراتر از ۳۰۰ گرم در لیتر است. شوری شدید سبب کاهش تنوع زیستی و نیز جرم توده زیستی دریاچه شد. گونه آبی بومی دریاچه آرتیا اورمیا به‌جز در دهانه رودخانه‌ها از تفریح باز ایستاد و به تبع آن جمعیت گونه‌های پرندگانی که از آن تغذیه می‌کردند به‌شکل چشم‌گیری کاهش یافت. فلاینگوهای بزرگ (Phoenicopiterus ruber roseus) که در جمعیت‌های گاه بیش از ۲۰۰۰۰ جفت در دریاچه حضور داشتند و دیگر گونه‌های پرندگان مهاجر شامل پلیکان سفید، کنار آبچرها، کاکایی‌ها و پرستوها و مرغابی‌ها که در جزایر دریاچه زادآوری می‌کردند، ناپدید شدند. گوزن زرد ایرانی و قوچ ارمنی که در جزایر درون دریاچه تکثیر شده بودند نیز از شرایط خشک‌سالی آسیب دیدند و با خشک شدن اراضی پیرامون جزایر، حفاظت و پشتیبانی از آن‌ها نامقدور شد.

تنوع زیستی در تالاب‌های اقماری دریاچه کمتر تحت تاثیر خشک‌سالی قرار گرفت زیرا جریان‌های برگشتی آبیاری (در واقع زه‌آب‌ها) توانست آن‌ها را تغذیه کند. این تالاب‌ها تا حدود زیادی توانستند نقش پناهگاه را برای پرندگان مهاجر ایفا کنند. آن عده از تالاب‌ها که از چنین فرصتی محروم بودند مانند قره قشالوق، یا خشک شدند و یا با محدودیت‌های شدید روبه‌رو گردیدند. کاهش آب دریاچه ارومیه و خشکی آن باعث ایجاد آسیب‌های جدی در زمینه‌های طبیعی و انسانی خواهد شد. از جمله می‌توان به شوری زمین‌های کشاورزی، از بین رفتن باغات، کاهش تنوع زیستی، مهاجرت جمعیت شهرها، خالی شدن روستاها، تنش‌های قومی ناشی از کاهش منابع آبی و خاک مرغوب کشاورزی، از بین رفتن گونه‌های جانوری و پرندگان. خشک‌شدن دریاچه ارومیه به سلامتی انسانی، تغذیه، حیات جانوری و گیاهی آسیب جدی وارد کرده است و منطقه، با آسیب‌پذیری بالا و تهدیدات زیست‌محیطی جدی روبه‌رو خواهد شد.

رئیس دانشگاه علوم پزشکی تبریز، در کنفرانس خبری اثرات خشک‌شدن دریاچه ارومیه بر سلامتی گفت: در جریان اقداماتی که برای احیا دریاچه ارومیه انجام می‌گرفت به‌عنوان یک عضو در اواسط سال ۱۳۹۳، احساس کردیم که در رابطه با اقداماتی که در حوزه سلام به‌صورت متمرکز از طریق حوزه سلامت و متولیان است پیگیری نمی‌شود.

محمد حسین صومی در ادامه افزود: در جلسات شورای فرهنگی اجتماعی حضور دانشگاه به عنوان متولی سلامت به شدت کم رنگ شده بود که در رابطه با نتیجه چنین پدیده‌ای بر روی سلامتی مردم، افرادی اظهار نظر می‌کردند که صلاحیت لازم را نداشتند. و پای ثابت بحث‌های مربوط به دریاچه، تأثیرات خشک شدن دریاچه ارومیه بود.

وی بیان کرد: با چهار دانشگاه در رابطه با ارزیابی اثرات خشک شدن دریاچه ارومیه بر سلامتی انسان، توافق نامه‌ای منعقد گردید که در ۷ موضوع تحقیقات انجام شده است.

صومی افزود: مطالعات انجام گرفته در رابطه با ارائه اثرات آشکار و پنهان اثرات خشک شدن دریاچه ارومیه، اثرات التهابی ذرات گرد و غبار بر سیستم تنفسی، اثرات خشکی دریاچه بر دام بوده است.

دهقان زاده افزود: منطقه آذربایجان یک منطقه گرم و خشک است، با اندازه گیری در سال‌های گذشته توسط محیط زیست و بهداشت محیط، نتایج نشان می‌دهد در شهر تبریز میزان ذرات معلق در خیلی از موارد بیش تر از استانداردهای جهانی است که دارای فلزات سنگین، سموم بودند که مطالعات انجام یافته حاکی از این است که فلزات سنگین منشا مصنوعی و بسیار بالا بوده است که افزایش ابتلاء به سرطان را در پی دارد.

وی ادامه داد: برای اندازه گیری ذرات معلق از سامانه‌های زمینی سنجش استفاده می‌شود.

وی با اشاره بر تعداد ایستگاه‌های زمینی که بیشتر آن در کلانشهر تبریز متمرکز شده است که سه ایستگاه در دریاچه ارومیه اضافه شده است.

وی با اشاره بر پراکنش جغرافیایی تعداد مرگ به ازای هر ۱۰۰۰ نفر در روستاهای مورد مطالعه افزود: میزان شیوع پرفشاری خون در کشور در مردان حدود ۲۵۲ و در زنان ۲۹۷ در هزار نفر گزارش شده است که تغییرات در بیماری‌های قلبی و عروقی نیز همراه بوده است اما نمی‌توان تمامی این‌ها را به دریاچه ارومیه نسبت داد.

اپیدمیولوژیست و رییس پژوهشکده مدیریت سلامت و ارتقای ایمنی دانشگاه علوم پزشکی تبریز نیز گفت: ابتلاء به بیماری‌های تنفسی، افزایش انواع سرطان و فشار خون، بیماری‌های چشمی، افزایش بیماری‌ها و مشکلات پوستی، مخاطرات روانشناختی و سقط جنین تنها بخش کوچکی از مخاطرات خشک شدن دریاچه ارومیه بر روی سلامت مردم منطقه و سایر مناطق کشور مطرح می‌شود.

همایون صادقی در رابطه با اهداف تحقیقات انجام شده افزود: تبیین دیدگاه‌ها و نظارت پزشکان خانواده، بهورزان و مردم در مورد تأثیرات بحران خشک شدن دریاچه ارومیه بر سلامتی به روش کیفی، طراحی سیستم معتبر جهت طبقه‌بندی مناطق اطراف دریاچه ارومیه بر اساس ریسک پذیری سلامت از ریزگرد، مقایسه توزیع بیماری‌ها و شاخص‌های سلامت به تفکیک اطلاعات سیستم بهداشتی (مرکز بهداشت استان) و بیمارستانی و در نهایت انجام ارزیابی‌های میدانی برای سنجش پیامدهای احتمالی اثرات خشک شدن دریاچه ارومیه می‌باشد.

وی با روبه‌رو شدن بیماری‌های چشمی و مخاطی افزود: بیش از ۲۷۰۰ نفر و به تعداد بسیار بیشتر از تعهد مطالعه به فراخور گروه انتخابی در محیط‌های مورد پرسش‌گری قرار گرفتند.

وی گفت: از این تعداد ۱۳۳۰ نفر تخت معاینه پزشکی قرار گرفتند که از ۶۶۷ نفر جهت انجام آزمایشات بعدی خونگیری به عمل آمد.

صادقی اضافه کرد: از کل افراد معاینه شده ۱۲۵ نفر دارای یکی از بیماری‌های لثه، مانند خونریزی، تورم، پیوره، پریدگی رنگ و لثه اسکور بوتیک بودند که شیوع آن در گروه‌های ریسک اول و دوم به ویژه دوم بالاتر بوده است.

وی در پایان افزود: در صورت شروع رخدادهای گرد و غبار از بستر خشک شدن دریاچه ارومیه، تأثیر ذرات و غلظت آنها بر عملکرد بدن به خصوص ریه و خون کاملاً مشهود است.

مهران نظری، مدیرکل حفاظت محیط زیست آذربایجان غربی نیز خطر خشک شدن دریاچه ارومیه را یکی از مهمترین مشکلات ایران خوانده و گفت این اتفاق خسارت زیادی به منطقه وارد خواهد کرد.

وی افزود: در صورت خشک شدن دریاچه، ۶ میلیون نفر به طور مستقیم و ۱۵ میلیون نفر نیز به طور غیرمستقیم آسیب می بینند، طوفان های نمکی بر طبیعت، کشاورزی و حیات وحش کل منطقه تاثیر می گذارد.

نظری هشدار داد: در صورت خشک شدن دریاچه، طوفان های نمکی به کشورهای همسایه نیز می رسند. طوفان های گرد و غبار از کشورهایمانند عراق و سوریه نیز تاثیرات جدی برای ما در پی خواهند داشت.

حجت جباری، معاون فنی حفاظت محیط زیست آذربایجان غربی نیز ضمن اشاره به وجود ۱۰۲ جزیره در دریاچه ارومیه، گفت: خطر خشک شدن حیات وحش را نیز تهدید می کند.

وی متذکر شد: گوزن زرد وحشی ایران در جزایر دریاچه زندگی می کنند، یکی از مهمترین مشکلات ما در موضوع خشک شدن دریاچه این است که شغال، پلنگ و روباه به جزایر آمده و گوزن زرد وحشی ایران که خطر انقراض آنها را تهدید می کند، را شکار می کنند.

قایم مقام دانشگاه علوم پزشکی دانشگاه تبریز نیز با بیان این که درجه شوری دریاچه ارومیه نسبت به سایر دریاچه های مشابه بالا است، گفت: با خشک شدن دریاچه نمک های زیادی در پیرامون آن انباشته می شود.

دکتر علی طاهر اقدم با بیان این که عقل سلیم حکم می کند که به مخاطرات پس از اتفاق بیهوشیم، خاطرنشان کرد: باید خودمان را آماده کنیم که اگر دریاچه خشک چه اقداماتی انجام دهیم.

وی با بیان این که حدود ۱۴ میلیون نفر در شهرهای پیرامون دریاچه درگیر مشکلات می شوند، افزود: باید با تحقیق و پژوهش خودمان را برای مشکلات احتمالی خشکی دریاچه و کم آبی های تابستان آماده کنیم.

طاهر اقدم با تاکید بر ضرورت آگاسازی مردم اضافه کرد: مخاطرات دریاچه ارومیه را نباید سیاسی کرد و باید همه درگیر حل موضوع شوند چون هر زمان مردم درگیر مسایل بشوند، مشکلات بهتر حل می شود.

مدیرگروه آموزشی مهندسی بهداشت محیط دانشگاه علوم پزشکی تبریز نیز یکی از بزرگترین مشکلات جهانی در حال حاضر را مربوط به تغییرات آب و هوایی دانست و گفت: تغییرات آب و هوایی منجر به تغییر در نوع بیماری ها، امنیت غذایی، تامین آب سالم، افزایش فشارها و استرس در افراد و جامعه می شود که باید فکر اساسی در این زمینه بکنیم.

دکتر رضادهقان زاده خاطرنشان کرد: از سال ۲۰۱۶ سازمان بهداشت جهانی آلودگی آب و هوایی را در دسته عوامل ایجاد سرطان قرار داده که میلیون ها نفر در دنیا در معرض خطرات آب و هوایی هستند.

دهقان زاده، طوفان های گرد و غبار را یکی از عوارض این تغییرات آب و هوایی ذکر کرد و گفت: گرد و غبار تا ۲۰ هزار کیلومتر می تواند طی مسیر و گستره جغرافیایی وسیعی را درگیر کند.

وی با بیان این که ستاد احیای دریاچه ارومیه از چند سال پیش تشکیل یافته و به فکر احیای دریاچه دریاچه است، افزود: اگر روند احیا طول بکشد مسایل زیست محیطی و سلامت انسان ها نگران کننده است.

دهقان زاده بیماری های آسم، ریوی، تنفسی و سرطان های پوستی را از جمله عوارض خشکی دریاچه ارومیه و ریزگردهای ناشی از آن اعلام کرد.

وی راهکار برون رفت از بحران را سرمایه گذاری برای جلوگیری از تغییرات آب و هوایی دانست و گفت: ضمن اینکه در سیستم مصرف آب باید تجدید نظر بکنیم، باید سیستم های مراقبت بهداشتی را نیز تقویت کنیم.

نهایتاً دریاچه ارومیه، مانند بسیاری از رودخانه‌ها و حوزه‌های آبی ایران، در کنار عوامل محیطی، مانند خشکسالی، از مدیریت غیراصولی منابع آبی نیز، از جمله ساخت سد و تامین بیش از اندازه آب زمین‌های کشاورزی از طریق حفر چاه‌های غیرمجاز در منطقه، آسیب جدی دیده است.

وضعیت دریاچه‌های هامون، کافتز، بختگان، مهارلو، و طشک، در کنار تالاب‌هایی همچون انزلی و هورالعظیم، نمونه‌هایی از محیط زیست نابودشده ایران است که دریاچه ارومیه هم به نظر می‌آید با سرنوشتی مشابه آن‌ها درگیر است.

فعالان کارزار نجات دریاچه ارومیه خواستار حمایت و توجه مدیران دولتی‌اند، اما با تجربه تاریخی نحوه مدیریت حکومت در مباحث زیست‌محیطی، بهتر از هرکسی می‌دانند که تنها امیدشان باید فراوانی بارش‌ها و پیگیری مداوم مطالبه احیای فوری دریاچه ارومیه باشد.

در شرایطی که حکومت توجهی به خشک‌شدن این دریاچه و زندگی میلیون‌ها انسان منطقه نمی‌دهد تنها یک راه در مقابل مردم باقی می‌ماند و آن هم متحدانه و هدفمند علیه حکومت اسلامی به پا خیزند و مطالبات ضروری برای نجات دریاچه ارومیه را بر این حکومت تحمیل کنند. البته ناگفته نماند که در این راه، نه تنها مردم آذربایجان، بلکه مردم سراسر ایران وظیفه داوطلبانه و آگاهانه دارند تا در کمپین حفاظت از محیط زیست سراسر ایران، علیه حکومت اسلامی شرکت کنند. تنها از طریق مبارزه متحدانه و هدفمند می‌توان توجه جدی به نجات دریاچه ارومیه و سایر مناطق بحرانی زیست محیطی ایران بر حکومت جهل و جنایت و ترور اسلامی تحمیل کرد.

جمعه سی‌ویکم تیر - سرطان - ۱۴۰۱ - بیست و دوم جولای ۲۰۲۲